



رضا عنایتی را دوباره به فوتبال برگرداندم

سه تیم منتخب جوایزی اهدا می‌شد. جالب است بدانید سلیمانی با همین روش ۲۰ سال پی در پی جام فوتبال محلات را به طور مستقل برگزار کرده است که ایده او باعث شده تیم‌های محلی فوتبال، زنده و پویا بمانند. ناگفته نماند او قصد دارد در تابستان سال آینده، بیست و یکمین دوره جام فوتبال محلات را در مشهد برگزار کند.



معروف می‌شدی. البته آقای میثاقیان برای فوتبال زیاد زحمت کشید و بازی‌اش هم خیلی خوب بود. هنوز پرتاب‌های او تش در بازی‌هایی که مقابلش قرار می‌گرفتم، از خاطرم نرفته که چقدر بلند بود و اکثر اوقات تبدیل به گل می‌شد. او آن قدر در این پرتاب‌ها حرفه‌ای شده بود که در اکثر بازی‌ها از این هنر و مهارتش به عنوان روشی برای برد ابومسلم استفاده می‌شد. به خاطر همین هم بود که بعدها در فوتبال به او "اکبر اوتی" لقب دادند.



به خاطر پول از شاهین بیرون آمدم

سلیمانی معتقد است که امروز فوتبال، مادی و پارتی بازی شده، بر خلاف گذشته که معنوی و دوستانه بود.

او با بیان همین جمله، از خدا حافظی خودش از دنیای حرفه‌ای فوتبال هم می‌گوید: «فوتبال دوران ما بیشتر جنبه دوستی داشت. اصلاً از پول‌های آن چنانی خبری نبود. خیلی اوقات هم پیش می‌آمد که خودمان پول کفش پایمان را می‌دادیم تا فوتبال بازی کنیم. شاید باور نکنید همین خرج و مخارج به حدی بود که من کارگر از پیش بر نمی‌آمدم. البته در کنارش، هزینه‌های درمان آسیب دیدگی‌هایمان هم بود. بالخصوص من در ردیف مهاجم آن قدر آسیب می‌دیدم که بیمه کامل پرداخت نمی‌کرد و مجبور می‌شدم از جیب بدهم. وقتی دیدم دیگر نمی‌توانم از خرج زندگی بزنم و برای فوتبال هزینه کنم، رفتم سراغ مسئول باشگاه شاهین و مشکلات مالی‌ام را مطرح کردم. آن‌ها هم کاری از دستشان بر نمی‌آمد؛ این شد که در ۲۴ سالگی برای همیشه از سر همین مشکلات مالی، فوتبال حرفه‌ای را کنار گذاشتم.»



فوتبال محلات را زنده نگه داشتم

بازیکن شاهین وقتی از این تیم خدا حافظی می‌کند، باز هم عشق به توپ، نمی‌گذارد از این حرفه دست بکشد. وارد تیم محلی محمدآباد می‌شود و بعد از مدتی با ایده برگزاری جام محلی، همه فوتبال دوستان را دور هم جمع می‌کند.

او از جام‌های فوتبال محلات، که در آن به اولقب «شاه غلام فوتبال» داده بودند، چنین تعریف می‌کند: «دهه ۶۰ محلات تیم‌های خوبی داشت. بچه‌ها چنان حرفه‌ای بازی می‌کردند که آدم باورش نمی‌شد محلی باشند. یکی از همین تیم‌ها، همای شهرک بود. با دیدن این بچه‌ها و در خواستی که فوتبال دوست‌ها برای تشکیل تیم‌های محلی داشتند، یک تیم هم خودم با نام برادرزن شهیدم، تشکیل دادم و افتادم در دور برگزاری جام.

هر سال هم زمان با شروع تابستان، تیم‌های محلی را جمع می‌کردم و از ۱۳، ۱۲ تیمی که شرکت می‌کردند، پول اندکی می‌گرفتم. با این پول‌ها برای جام، که سه ماه طول می‌کشید، داور می‌گرفتم و جایزه می‌خریدم. در پایان به

حرف از جام‌های محلی فوتبال که به میان می‌آید، سلیمانی یاد رضا عنایتی و بازی خوبش در تیم مهرآباد می‌افتد و می‌گوید: «رضا نوجوان بود که در تیم محلی مهرآباد دروازه بانی می‌کرد و گاهی هم پایه توپ می‌شد. خدایی، پاهای دهنده خوبی داشت و کاربلد بود. سر همین بازی‌های محلی بود که من با قدرت فوتبالی او آشنا شدم و باب دوستی مان باز شد. از سر همین رفاقت هر وقت که قرار جام گذاشته می‌شد، او و تیمش شرکت می‌کردند. یک روز یکی از بچه‌ها که دوست رضا بود از مشکل او برایم گفت و اینکه همین مشکل باعث شده بود به فوتبال کمتر اهمیت بدهد.

همان شب برای اینکه مشکل رضا را حل کنم، به همراه بچه‌ها به باشگاه خیابان کشاورز قلعه ساختمان رفتم. برای دیدن بازی بچه‌ها به تماشا آمده بود. روی سکوها کنارش نشستم و درباره مشکلش حرف زدیم. به هر نحوی بود مشکلش را حل کردیم و او دوباره به فوتبال برگشت. وقتی هم برگشت طوفانی عمل کرد و با بازی خوبش در کمتر از سه سال به تیم استقلال دعوت شد.»



۳۰ سال نگهداری از زمین به خاطر فوتبال

حدود ۳۰ سال است که آقای سلیمانی پایه پای فوتبال دوستان محلات مشهد است. برایشان زمین بازی می‌گیرد، آموزش می‌دهد و مسابقه می‌گذارد.

زمین ورزشی «جمعه زاده» همین زمینی است که او چند دهه گذشته برای برگزاری مسابقات فوتبال آماده و تجهیز کرده.

خودش برایشان از این خدمت رایگان چنین می‌گوید: «من عاشق فوتبال هستم. در این راه هم به دنبال اینکه پولی دستم را بگیرد یا نه، نیستم. به همین دلیل سال ۶۴ یا ۶۵ تصمیم گرفتم یکی از زمین‌های خاکی اطراف خانه‌ام را در مصلی ۱۰ تبدیل به زمین فوتبال کنم.»

او ادامه می‌دهد: «آن زمان خودم کارگر صندوق سازی بودم. اول با همین صندوق‌ها دروازه ساختم و بعد از مدتی به یک نجاری، تیرهای چوبی دروازه را سفارش دادم. تیرها که آماده شد، زمین آقای جمعه زاده را در کوچه سوم مصلی ۱۰ تمیز و گودال‌هایش را با کمک چند نفر از دوستان فوتبالی پر کردیم. جمعه زاده،



در ۵۰ سالگی مثل جوان ۲۰ ساله فوتبال بازی می‌کنم

سلیمانی هنوز فوتبال را کنار نگذاشته و هر جمعه با دوستانش فوتبال بازی می‌کند. گویا سن و سال او با اعداد و ارقام ریاضی پیش نمی‌رود و در پنجاه و چهار سالگی، احساس جوانی بیست ساله را دارد که ۹۰ دقیقه تمام در زمین فوتبال در تعقیب توپ می‌دود و خسته هم نمی‌شود: «هیچ وقت از فوتبال خسته نشده‌ام. حتی انرژی هم گرفته‌ام. به خاطر همین در پنجاه و چهار سالگی استخوانی بازی می‌کنم و کسی به گرد پایم نمی‌رسد.»

سلیمانی که پسرهایش مثل خودش فوتبالیست هستند و یکی از آن‌ها در تیم دسته یک بازی می‌کند، آرزو دارد ۲۰ سال دیگر بتواند با پسرهایش فوتبال بازی کند و باز هم بتواند مردانه بدود.

